

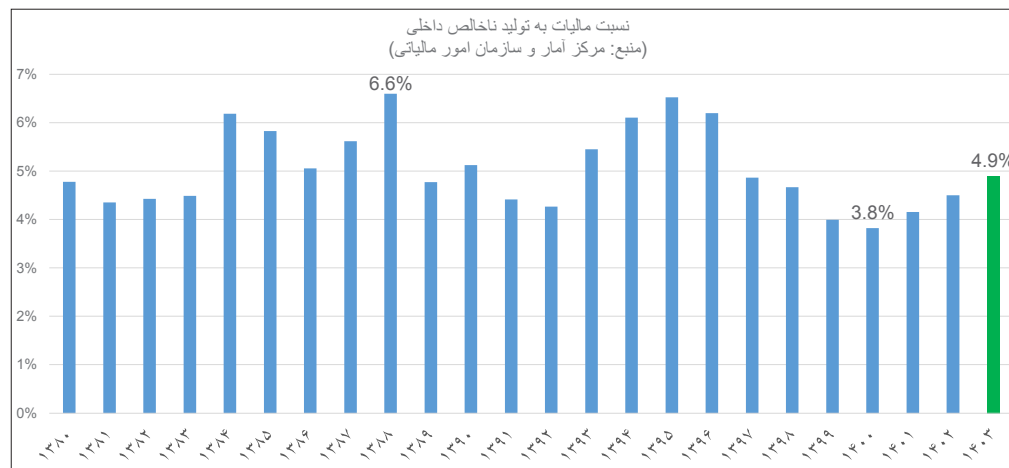


نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی؛ شاخصی از توان مالی دولت

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی

و بعضاً پریسک بوده است. در سال ۱۴۰۱ نیز اگرچه اندکی بهبود حاصل شد و نسبت به ۴.۲ درصد رسید، اما همچنان فاصله زیادی با استانداردهای مطلوب جهانی داشت. چنین ارقامی نشان دهنده آن است که طی این سال ها، نظام مالیاتی کشور در وصول درآمدها با چالش هایی چون فرار مالیاتی، ضعف در شناسایی پایه های جدید و محدودیت در پوشش دهی مواجه بوده است. در سال ۱۴۰۳ نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی با رشد قابل توجه به ۴.۹ درصد افزایش یافت و رکورد چهار سال گذشته را شکست. این بهبود نشان می دهد که دولت توانسته با اجرای سیاست های نوین مالیاتی، افزایش شفافیت اقتصادی و کاهش فرار مالیاتی، درآمدهای پایدار بیشتری کسب کند. افزایش سهم مالیات از GDP در عمل به معنای مدیریت بهتر منابع مالی کشور و کاهش نیاز به استقراض یا درآمدهای ناپایدار است.

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی (GDP) یکی از مهم ترین شاخص های اقتصادی برای سنجش توان درآمدی دولت و میزان اتکای کشور به درآمدهای پایدار است. هرچه این نسبت بالاتر باشد، نشان می دهد بخش بیشتری از هزینه های دولت از مسیر شفاف و قابل اتکا یعنی مالیات تأمین می شود و وابستگی به درآمدهای ناپایدار مانند نفت کاهش می یابد. بررسی روند این شاخص نشان می دهد که در سه سال منتهی به ۱۴۰۲، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در پایین ترین سطح دوده اخیر قرار داشته است. در سال ۱۳۹۹ این نسبت تنها ۴ درصد بود. کاهش بیشتر در سال ۱۴۰۰ رخ داد و شاخص به ۳.۸ درصد رسید که پایین ترین رکورد ثبت شده در ۲۳ سال اخیر محسوب می شود. این وضعیت به معنای آن بود که دولت بخش زیادی از ظرفیت بالقوه درآمدی خود را از دست داده و به جای اتکا بر درآمدهای پایدار مالیاتی، ناچار به استفاده از منابع جایگزین

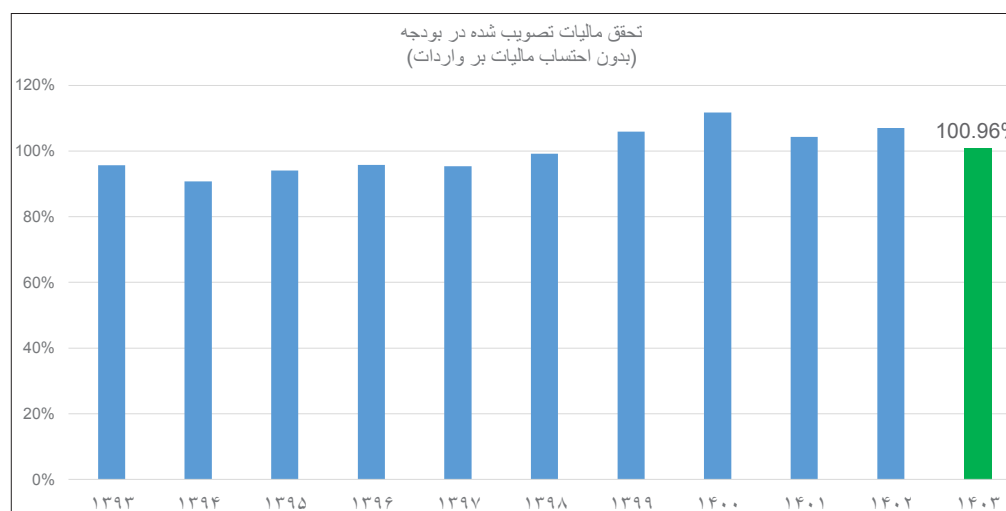


بالاترین نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در شش سال گذشته (از زمان خروج آمریکا از برجام)

اهمیت این دستاورد برای اقتصاد کشور

۴. **افزایش اعتماد عمومی:** وقتی مردم و فعالان اقتصادی ببینند که دولت بخش بیشتری از هزینه ها را از طریق مالیات تأمین می کند، شفافیت و اعتماد به سیاست های مالی نیز تقویت می شود. روند نزولی سال های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ که با پایین ترین رکورد نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی همراه بود، امروز جای خود را به بهبود محسوس داده است. رشد این شاخص در سال ۱۴۰۲ و دستیابی به رکورد ۴.۹ درصدی در سال ۱۴۰۳، نشان دهنده حرکت نظام مالی کشور به سمت پایداری و شفافیت بیشتر است. این دستاورد، گامی مهم در جهت کاهش اتکای بودجه به نفت و تقویت پایه های توسعه پایدار اقتصادی ایران محسوب می شود.

۱. **کاهش وابستگی به نفت:** هرچه سهم مالیات از GDP بیشتر شود، وابستگی دولت به درآمدهای نفتی کاهش می یابد و بودجه کشور در برابر نوسانات جهانی مقاوم تر می شود.
۲. **تقویت عدالت اقتصادی:** بهبود نظام مالیاتی به معنای شناسایی و وصول درآمد از بخش هایی است که پیش تر از پرداخت مالیات فرار می کردند. این امر عدالت مالیاتی را تقویت می کند.
۳. **پایداری بودجه دولت:** مالیات منبعی پایدار و قابل برنامه ریزی است. افزایش این نسبت باعث می شود دولت بتواند برنامه های توسعه ای و رفاهی خود را با اطمینان بیشتری اجرا کند.



تحقق ۱۰۰ درصدی مالیات مصوب